

اسرائیل

پنجاه و یکمین ایالت امریکا

اقتصاد سیاسی تنش‌زایی‌های نظامی اسرائیل در خاورمیانه

یوسف کهن



معرفی

حمله‌ی اسرائیل به ساختمان کنسولگری ایران در دمشق و مخاطرات تشدید تنش‌ها و بروز جنگی گسترده‌تر در منطقه‌ی خاورمیانه ما را در برابر این پرسش قرار می‌دهد که فراتر از آن‌چه در تبلیغات رسمی و ادعاها اعلام می‌شود، اسرائیل با تشدید تنش‌ها در خاورمیانه به دنبال چیست. در مقاله‌ی حاضر این پرسش طرح می‌شود که اگر جنگ ادامه‌ی سیاست است، جنگ غزه و در پی آن تشدید کنونی تنش‌های نظامی در منطقه ادامه‌ی کدام سیاست‌هاست؟

حمایت بی‌قیدوشرط و کم‌وبیش فزاینده‌ی امریکا و اروپا از حملات وحشیانه‌ی ارتش اسرائیل به مردم بی‌دفاع غزه، بار دیگر بر این حقیقت مهر تأیید زد که بحث پیرامون اسرائیل تنها در چارچوب منافع سرمایه‌ی جهانی موضوعیت دارد. مطلب حاضر تلاش می‌کند تا با تمرکز بر جنگ غزه و کنکاش بر ریشه‌ها، تحولات جاری را مورد بررسی قرار دهد.

عنوان این نوشتار برگرفته از تیتیر مقاله‌ای در روزنامه‌ی معروف اسرائیلی - هآرتس - است.^۱ پیش‌تر نیز شاهد انتشار مقالاتی با عناوین و مضامین مشابه بودیم.^۲

مقدمه

نوشتن درباره‌ی منازعات و جنایات جاری در غزه ابدأ آسان نیست. دلیلش هم این است که این جنگ جزو نادرترین وقایع در دوران مدرن است که در آن از حضور خبرنگاران مستقل ممانعت به‌عمل آمده است. اسرائیل - این به‌اصطلاح یگانه کشور دموکراتِ خاورمیانه - از شروع درگیری‌ها تاکنون، نه تنها به خبرنگاران اجازه نداده تا برای تهیه‌ی خبر و ارسال گزارش در محل حاضر شوند بلکه بیش از ۱۰۰ خبرنگار را کشته، حدود ۴۰۰ نفر را زندانی و حدود ۵۰ ساختمان تیم‌های رسانه‌ای را با خاک یکسان کرده است. به گزارش فدراسیون جهانی روزنامه‌نگاران، از هر ۱۰ خبرنگاری که به غزه اعزام شده، یک نفر کشته شده است.^۳ از این‌رو آنچه که رسانه‌های رسمی به‌خوردمان می‌دهند گزارش‌هایی هستند که از جانب نیروی دفاع اسرائیل (IDF) در اختیارشان گذاشته شده و یا با تأیید کامل این نهاد اجازه‌ی پخش گرفته‌اند.

اسرائیل پنجاه و یکمین ایالت آمریکا

در گذشته نیز دولت اسرائیل کوشید تا عملیات خود را از چشم و گوش جهانیان پنهان نگاه دارد؛ اما به لطف حضور خبرنگاران حقیقت‌پژوه، بخش‌هایی از حقایق لو رفت و دست دولت اسرائیل رو شد. برای مثال، در سال ۲۰۱۰، ویکی‌لیکس به انتشار اسناد زیادی مبادرت کرد که به مکاتبات مقامات امریکایی و اسرائیلی درباره‌ی روی کارآمدن حماس در غزه (۲۰۰۷) اختصاص داشت.^۴ پس از دستگیری جولیان آسانز و حملاتی که متوجه ویکی‌لیکس شد، این رسانه قابلیت پیشین خود را از دست داد و جهان از حضور این منبع اطلاعاتی غنی محروم شد. با این همه درست یک هفته پس از آغاز حملات اسرائیل به غزه، ویکی‌لیکس یک سند ۱۰ صفحه‌ای را انتشار داد که به طرح نتانیاهو برای حمله به غزه اختصاص داشت. در آنجا قید شده بود که قصد اسرائیل از این حملات، کوچاندن ساکنان شمال غزه به جنوب و انتقال آنها به صحرای سینا است.^۵

این طرح در ادامه‌ی سیاست‌های اشغال‌گرانه‌ی پیشین دولت اسرائیل بود که قبلاً به اشکال مختلف تکرار شده بودند. گفتنی است که پیش از تشکیل اسرائیل (۱۴ مه ۱۹۴۸) در محلی که اسرائیل کنونی قرار دارد، میلیون‌ها فلسطینی‌ها زندگی می‌کردند.^۶ یعنی این منطقه «سرزمین بدون مردم، برای مردمان بدون سرزمین» نبود. در جریان نخستین تهاجم تجاوزکارانه‌ی اسرائیل به فلسطین، حدود ۸۰۰ هزار فلسطینی به اجبار یا به‌منظور فرار از مصایب جنگ، از منطقه کوچانده شدند یا کوچ کردند. با این امیدواری که به‌زودی به خانه‌هایشان بازگردند. قطع‌نامه‌ی ۱۹۴ مجمع عمومی سازمان ملل (مصوبه‌ی ۱۱ دسامبر ۱۹۴۸) نه تنها بر حق بازگشت فلسطینیان تأکید گذاشت بلکه حق گرفتن غرامت برای خسارت‌دیدگان را به رسمیت شناخت.^۷ اما اسرائیل و مدافعان غربی‌اش – تا به امروز – از پذیرفتن این قطع‌نامه سر باز زده و به آوارگان اجازه‌ی بازگشت نداده‌اند. واقعیت این است که بخش اعظم ساکنان فعلی غزه جزو همان افراد – یا فرزندان و نوادگان آنان – هستند که در سال ۱۹۴۸ از خانه‌هایشان آواره شدند. در واقع آنچه که امروز در غزه می‌گذرد، تکرار همان حکایتی است که نخستین بار در ۱۹۴۸ و بعدها بارها تکرار شده است؛ حقایقی که اسرائیل و طرفداران و حامیانش می‌کوشند تا با نقل روایات جعلی، آنها را واژگونه جلوه دهند!^۸

از طرف دیگر رسانه‌های رسمی می‌کوشند تا جنگ غزه را به‌عنوان منازعه‌ی کابینه‌ی نتانیاهو با گروه حماس جلوه دهند و چنین وانمود کنند که این رُخداد نزاعی است میان دولت یهودیان بازمانده از هولوکاست و تروریست‌های مرتجع اسلامی. در واقع قرار است این تصویرِ شخص‌محور و ایدئولوژی‌محور، بر پیشینه‌ی تاریخی، ریشه‌های سیاسی، مبارزه‌ی طبقاتی جاری در منطقه، و معادلات و معاملات منطقه‌ای و بین‌المللی پرده‌ی استتار بکشد و با تکرار مکرر «جنگ ادامه‌ی سیاست است، اما به طریق دیگر»^۹ آن را به نزاع بر سر نظرگاه‌های سیاسی و مذهبی تقلیل دهد.

ادامه‌ی کدام سیاست؟

اگر جنگ ادامه‌ی سیاست است، جنگ غزه ادامه‌ی کدام سیاست است؟ به‌دنبال تهاجم مستقیم آمریکا و متحدان غربی‌اش به افغانستان (۲۰۰۱)،^{۱۰} عراق (۲۰۰۳)،^{۱۱} لیبی (۲۰۱۱)^{۱۲} و سوریه (۲۰۱۴)^{۱۳} و تصمیم آمریکا مبنی بر خاتمه‌ی مداخله‌ی مستقیم در منطقه، سیاست جدیدی اتخاذ شد که به‌موجب آن ژاندارمی خاورمیانه به «شورای همکاری خلیج [فارس]» (جی.سی.سی.سی)^{۱۴}، اسرائیل و نیروهای باقی در پایگاه‌های آمریکایی^{۱۵} واگذار شد. قرار بر این بود که این نیروها مشترکاً امنیت منابع نفتی، ادامه‌ی صدور ارزان نفت، گاز و سایر منابع معدنی به غرب و نیز گردش و انباشت سرمایه را تضمین کنند.

اولین مأموریت این گروه، حمله‌ی نظامی به یمن (۲۵ مارس ۲۰۱۶) به‌منظور ممانعت از اعمال کنترل شیعیان حوثی بر منابع نفتی و بندر استراتژیک عدن و تنگه‌ی باب‌المندب بود.^{۱۶} این حمله، جنگ ۸ ساله‌ای را به دنبال آورد که فجایع عظیم انسانی، قحطی فراگیر، گسترش وبا، تخریب وسیع زیرساخت‌ها و میراث‌های فرهنگی – تاریخی را به همراه داشت. به گزارش سازمان ملل متحد، این جنگ ۳۲۷ هزار کشته به‌جا گذاشت که از این میان ۱۷۷ هزار نفر به‌خاطر قحطی و گرسنگی جان باختند.^{۱۷}

این تهاجم نظامی، به تقویت جبهه‌ی متحدان منطقه‌ای آمریکا کمک کرد؛ به‌نحوی که کشورهای مراکش، مصر، اردن، سودان و سومالی نیز به مشارکت با جی.سی.سی.

اسرائیل پنجاه و یکمین ایالت امریکا

ترغیب شدند.^{۱۸} این همان ائتلافی است که جو بایدن در سخنرانی سالیانه‌اش در کنگره‌ی امریکا (۸ مارس ۲۰۲۴) جزو افتخاراتش نام برد.^{۱۹}

اهمیت ژئوپلیتیکی این جبهه زمانی بهتر درک می‌شود که در بطن پیامدهای وقایع معروف به «بهار عربی» مورد مطالعه قرار گیرد: سقوط دولت‌های تونس، مصر، لیبی، یمن و پانگیری اغتشاشات خونین در بحرین و سوریه، اعلام برکناری رئیس‌جمهورهای سودان (عمرالبشیر) و عراق (نوری المالکی)، ظهور داعش و ادعای تأسیس خلافت شام، سرکوب کردها به دست دولت ترکیه و ... این خطر را به غرب گوشزد کرد که گویا توازن قوا در منطقه در حال تغییر و چه بسا تحول است. اضافه بر این‌ها تحرکات روسیه و چین نیز در منطقه در حال افزایش بود که برای غرب ابداً خوشایند نبود.

تبدیل بهار عربی به «خزان عربی»، آن‌هم با سرکوب جوانه‌های اعتراضی، آزادی‌خواهانه و برابری‌طلب، زمینه را برای نزدیکی دولت‌های مرتجع‌ی - که وارث دستاوردهای این جنبش‌ها شدند- با اسرائیل فراهم‌تر کرد. توافق‌نامه‌ی ابراهیم، محصول همین دوره است.^{۲۰} گسترش دامنه‌ی نفوذ اسرائیل در آذربایجان و نیز تقویت سیاست‌های حمایتی امریکا از موجودیت، امنیت و قدرت نفوذ اسرائیل در منطقه را نیز می‌شود در راستای همین روند دانست.

اسلام‌گرایان منطقه - به‌ویژه اخوان المسلمین و متحدانش^{۲۱} - که سرشان بی‌کلاه مانده بود و از ساختار و نظم سیاسی جدید سهمی در قدرت نبرده بودند، شروع به سازماندهی مجدد خود کردند و حملاتی را به پایگاه‌های نظامی امریکا و مراکز مورد حمایت اسرائیل سازمان دادند تا اتحاد جی.سی.سی با اسرائیل و غرب را ازهم بپاشند. از طرف دیگر، به تکاپو افتادند تا با سوار شدن بر موج احساسات ضد امریکایی، ضد صهیونیستی، ضد وهابی‌گری، جبهه‌ی جدیدی را سازمان دهند و نیز مترصد فرصت بنشینند.

پانگیری اعتراضات بی‌سابقه علیه دولت نتانیاهو، قطع روابط مراکش و الجزایر با جی.سی.سی - کمی بعد از انعقاد توافق‌نامه‌ی ابراهیم - جنگ روسیه با اوکراین، درگیری ارمنستان با آذربایجان، حمله‌ی ترکیه به مناطق کردنشین، بالاگرفتن مناقشه‌ی چین با تایوان، تنش بین صربستان و کوزوو - آلبانی و ... آن فرصت طلایی را در اختیار

حماس قرار داد تا حمله‌ی ۷ اکتبر (۲۰۲۳) به اسرائیل را به اجرا درآورد. به نوبه‌ی خود، این حمله این بهانه را به نیروهای صهیونیستی داد تا در جریان یک حمله‌ی جنایت‌کارانه و بی‌رحمانه، عرب‌زدایی کنند و فلسطینی‌ها را از نوار غزه بیرون برانند و یا برای همیشه مطیع و منقاد کنند.

بهانه‌ی سیاسی

دستاویز قراردادن یک اقدام فردی یا جمعی برای دست‌زدن به یک نسل‌کشی یا پاک‌سازی قومی، ابدأً تازگی ندارد. در دوره‌ی استعمار هند توسط بریتانیا، کمپانی هند شرقی^{۲۲} مردمان محلی را استخدام و مسلح می‌کرد تا به کمک آنها کنترل خود را بر منطقه اعمال کند. یکی از آموزش‌های نظامی که به سربازان محلی داده می‌شد، چرب کردن لوله، گلنگدن و سایر اجزای فلزی تفنگ – به منظور پیش‌گیری از زنگ‌زدگی بود.

بعد از مدتی این شایعه در میان سربازان هندی پیچید که روغن موردنظر از ترکیب چربی خوک و گاو تهیه شده است. این امر خشم هم هندوها و هم مسلمانان را برانگیخت؛ چون برای هندوها گاو مقدس بود و برای مسلمانان، خوک نجس محسوب می‌شد! با جافتادن شایعه، سربازان هندی – که به آنها سپاهیان یا سپوی می‌گفتند – از به‌کاربردن روغن امتناع کردند که به درگیری و نهایتاً اعدام یک سرباز هندی و دستگیری و زندانی شدن خیلی‌های دیگر انجامید. این امر موجب قیام ۱۰ مه شد که طی آن سپاهیان شورشی، افسران انگلیسی را تیرباران کردند و زنان و کودکان‌شان را کشتند. این قیام که به شورش سپوی (Sepoy Mutiny) معروف است، خیلی سریع در سراسر هند گسترش یافت.

دولت بریتانیا به‌منظور سرکوب شورش، حملات انتقام‌جویانه‌ای را سازمان داد که به کشته‌شدن ۸۰۰ هزار نفر هندی انجامید؛ که بخشی از این رقم، قربانیان قحطی و بیماری‌هایی بودند که متعاقب حملات ارتش بریتانیا همه‌گیر شدند.

مارکس ضمن محکوم کردن قتل غیرنظامیان بریتانیایی، درباره‌ی حملات تلافی‌جویانه‌ی ارتش بریتانیا نوشت:

اسرائیل پنجاه و یکمین ایالت امریکا

«هرچقدر هم که رفتار سپوی‌ها بی‌شرمانه باشد، اما صرفاً یک واکنش بود، آن هم به شکل هولناک علیه کنش خود انگلستان در هند؛ آن هم نه فقط در دوره‌ی تأسیس امپراتوری هند شرقی، بلکه در طول یک دهه حاکمیت طولانی و سخت‌گیرانه.»^{۲۳}

شاید اگر مارکس زنده بود، درباره‌ی جنگ غزه هم جملات مشابهی می‌نوشت. یعنی ضمن محکوم کردن کشتار غیرنظامیان اسرائیلی به‌دست نیروهای حماس، آن را واکنشی در برابر بیش از هفت دهه ستم، تبعیض و جنایت توصیف می‌کرد که نه توسط توده‌ها بلکه به‌دست یک جریان ارتجاعی و فرصت‌طلب صورت گرفت؛ آن هم نه به‌منظور دادخواهی و رفع ستم، بلکه به قصد سهم‌خواهی از قدرت!

صهیونیسم یهودی در نزاع با اسلام‌یسم فلسطینی

صهیونیسم اسرائیلی به شهروندانش وعده می‌دهد تا امنیت آنان را در صهیون موعود (کنایه از اسرائیل فعلی) تأمین کند. اسلام‌یسم فلسطینی نیز به آواره‌گان جنگ‌های خونین وعده می‌دهد تا اشغال‌گران را از فلسطین بیرون براند و سرزمین‌شان را پس بگیرد. هر دوی این‌ها برای نیل به اهداف‌شان به راه‌حل‌های خشونت‌آمیز نظامی متوسل شده‌اند و هر دو از مفاهیمی مثل تقدس خاک، هویت قومی، ملی و مذهبی تغذیه می‌کنند تا اهداف واقعی خود را استتار کنند (در ادامه‌ی بحث به آنها پرداخته خواهد شد) و هر دو خواهان استقرار جامعه‌ای هستند که مبتنی بر آموزه‌های دینی عصر پیشامدرن است.

در جریان حمله‌ی ۷ اکتبر، دولت و ارتش اسرائیل نشان دادند که قادر به تأمین امنیت شهروندانش نیستند. شکستن دیوار مرزی اسرائیل توسط نظامیان اسلام‌گرا، بی‌اعتباری ادعاهای طبقه‌ی حاکم، کاپیتالیست‌ها و میلیتاریست‌های اسرائیلی را به اثبات رساند و آنان را چنان بی‌حیثیت کرد که جبرانش سال‌ها زمان خواهد برد. در طرف دیگر، اسلام‌یسم فلسطینی نشان داد که هم‌آورد توانمندی در برابر نیروهای تا چنگ‌و‌دندان مسلح تحت حمایت قدرت‌های غربی نیست؛ بلکه هم‌چون همپالکی جنگی‌اش وحشی، متجاوز و خون‌آشام است.

ناگفته پیداست که سوسیالیست‌های انقلابی در کنار هیچ یک از طرفین این جنگ نمی‌ایستند. هر دو طرف تروریست، آدم‌زُبا و آدم‌گُش هستند، از ارزش‌های کاپیتالیستی دفاع می‌کنند، طرف‌دار مالکیت خصوصی، استثمار و تبعیضات نژادی، قومی، ملی، مذهبی، زبانی - علیه غیرخودی - هستند، شدیداً مواضع ضدکارگری، ضدبرابری طلبی، ضددموکراتیک و زن‌ستیزانه دارند^{۲۴} و هر دو از حمایت دول امپریالیستی و مرتجع منطقه برخوردارند. صهیونیسم اسراییلی و اسلام‌یسم فلسطینی، دلالتان معامله‌ی خونینی هستند که به نفع ازمابهتران و به ضرر توده‌هاست.

نباید این جنگ را به‌عنوان «مبارزه‌ی رهایی‌بخش» خلق فلسطین جازد. حماس برای آزادی، رهایی و برابری توده‌های فلسطینی نمی‌جنگد. هدف آن استقرار دولت اسلامی است که معنایش برای خوانندگان این سطور آشناست! تازه اگر هم می‌شد این جنگ را - با چشم‌پوشی‌های بسیار- در دایره‌ی مبارزات استقلال‌طلبی و رهایی‌بخش گنجانند، باز حمایت ما می‌بایست مشروط به این می‌شد که:

«واقعاً انقلابی باشند و رهبران و نمایندگان‌شان بر سرکارمان در رابطه با آموزش و سازمان‌دهی دهقانان و توده‌های استثمارشده - آن هم با یک روحیه‌ی انقلابی - مانعی ایجاد نکنند.»^{۲۵}

سیاست‌ها و عمل‌کرده‌های اسلام‌یست‌های منطقه - به‌ویژه حماس - نه تنها جان‌های بسیاری را ستانده، خانه‌های‌شان را ویران کرده و آوارگی‌های میلیونی به توده‌ها تحمیل کرده، بلکه با تبلیغ نفرت‌پراکنی‌های نژادی، قومی، ملی و مذهبی، جنبش‌های طبقاتی و انقلابی منطقه را بسیار تضعیف کرده است.

حمله‌ی حماس در زمانی رخ داد که ششمین کابینه‌ی نتانیاهاو با برخورداری از اکثریت کرسی‌های پارلمانی، به‌عنوان ارتجاعی‌ترین دولت تاریخ ۷۰ ساله‌ی اسراییل ثبت شده بود. پس از ارائه‌ی طرح ۴ ژانویه ۲۰۲۳ - طرحی که به پارلمان حق می‌داد تا تصمیمات دادگاه عالی را وتو کند - بزرگ‌ترین و بی‌سابقه‌ترین تظاهرات خیابانی در اسراییل برپا شدند.^{۲۶} در ۲۷ مارس ۲۰۲۳، شش‌صدهزار مخالف نتانیاهاو با ۲۰۰ هزار نفر از طرف‌داران او در به درگیری خیابانی پرداختند که به دستگیری‌ها و اختلال در سیستم اداری و خدماتی انجامید.

اسرائیل پنجاه و یکمین ایالت امریکا

حمله‌ی حماس نه تنها این اعتراضات ۴۰ هفته‌ای اسرائیلی‌ها را درهم شکست، بلکه نفرت علیه اعراب و فلسطینی‌ها را جایگزین نفرت علیه نتانیاهو و دولت او کرد. به‌علاوه، ده هزار نیروی ذخیره‌ی ارتش اسرائیل را که سال گذشته علیه شخص و دولت نتانیاهو به میدان آمده بود و با انصراف از انجام خدمت نظامی، ناراضیتی‌شان را اعلام کرده و برگه‌ی استعلام به نظام وظیفه‌شان را پاره کرده بودند، با ابراز نفرت از حماس، داوطلبانه به میدان جنگ بفرستد و عملاً بر سر سازمان‌یابی توده‌های تحت‌استثمار منطقه مانع ایجاد کند.

رامی لوی (Rami Levi)، سوپرمارکت زنجیره‌ای اسرائیل، پس از فراخوانده‌شدن نیروهای ذخیره‌ی نظامی، بخش زیادی از کارگران و کارمندان را از دست داده و با کمبود شدید نیروی انسانی روبرو بود، به استخدام نیروی «داوطلب» که مزدشان از طرف دولت پرداخت می‌شد، روی آورد. خیلی از داوطلبان نیز تحت نام خدمت به وطن به کار مجانی مشغول شدند تا سربازان را به ادامه‌ی جنگ و تداوم استثمار خود تشویق کنند! این در حالی بود که این شرکت در ازای کارگران و کارکنانی که به جبهه‌های جنگ می‌فرستد، مبالغ هنگفتی از دولت دریافت می‌کند و در ازای مرگ و مصدومیت جدی آنها نیز کمک‌هزینه‌ی مالی قابل توجهی می‌گیرد! به‌علاوه این شرکت به بهانه‌ی جنگ، نه تنها بر قیمت‌هایش افزود بلکه از حقوق و مزایای کارگرانش کاست و قوانین زمان جنگ را مقرر داشت که به‌موجب آن هرگونه اعتصاب یا اعتراض کارگری با برچسب خیانت به منافع و امنیت ملی مورد مجازات شدید قرار می‌گیرد!^{۲۷} آیا در چنین وضعیتی جا ندارد توده‌های اسرائیلی از خود بپرسند دشمن اصلی آنها کیست؟ آیا مردم بی‌دفاع فلسطینی دشمن آنان‌اند یا کاپیتالیست‌های اسرائیلی و دولتی که منافع آنان را تضمین می‌کند؟ آیا وقت آن فرانسیده که توده‌های فلسطینی نفرت خود را از ارزش‌های ضدانسانی و قرون وسطایی حماس اعلام کنند و برای استقرار دنیایی که شایسته‌ی شأن انسانی‌شان است، به پا خیزند؟

حمله‌ی حماس برکت بود!

واقعیت غیر قابل کتمان این است که حمله‌ی حماس جامعه‌ی اسرائیل را که در حال فروپاشی بود از فرورفتن در یک بحران عمیق سیاسی نجات داد.^{۲۸} این امر این تردید را دامن زد که نتانیاهو و کابینه‌اش از ماجرای حمله‌ی حماس باخبر بودند و به‌عمد دست‌روی‌دست گذاشتند تا برکت نازل شود و از این کارت به نفع خود استفاده کنند. در همین رابطه فایننشال تایمز افشا کرد که مقامات اسرائیلی خبر این حمله را چند هفته پیش از اجرای آن دریافت کرده بودند.^{۲۹} سایر خبرگزاری‌های خط رسمی نیز ضمن تأیید این خبر، گزارش‌های مشابهی انتشار دادند.^{۳۰} نیویورک تایمز نوشت که مقامات اسرائیلی از طرح حمله ۷ اکتبر حماس، حتی بیش از یک سال پیش خبر داشتند.^{۳۱} و آسوشیتدپرس نیز با اشاره به ویدیویی که یک ماه قبل از حمله، توسط حماس منتشر شده بود، نوشت که تمرینات نظامی حماس در ملاءعام انجام می‌شده است.^{۳۲}

گفتنی است «حصار هوشمندی» که حماسی‌ها موفق به عبور از آن شدند، شش متر ارتفاع دارد و مجهز به دوربین‌های دید در شب و سنسورهای لرزش‌نما هستند که قادرند تا هرگونه تحرکاتی را که تا عمق حدود ۶۰ متری زیر خاک صورت می‌گیرد، تشخیص دهند. این دیوار که ساختش در سال ۲۰۲۱ به پایان رسید، ۱.۱ میلیارد دلار هزینه برداشت. بعید به‌نظر می‌رسد که عبور از چنین حصارى بدون همکاری مستقیم یا غیرمستقیم با مقامات اسرائیلی - به‌ویژه شین بت (سزویس امنیت داخلی) - یا چشم‌پوشی عمدی یا سهوی آنان امکان‌پذیر بوده باشد. به‌علاوه نباید از یاد برد که اسرائیل یکی از پیشرفته‌ترین سیستم‌های شنود، جاسوسی و ردیابی را دارد که پنهان نگاه‌داشتن تدارکات حمله‌ی ۷ اکتبر از آن ابدأ آسان نبود. مضاف بر این‌ها، ارتش اسرائیل از سیستم‌های جاسوسی، خبرچینی، امنیتی و ماهواره‌ای امریکا و ناتو نیز بهره‌مند بوده و هست که توان فوق‌العاده‌ای برای افشای اقدامات تروریستی دارند. این را هم باید خاطر‌نشان کرد که حماس با حمایت نتانیاهو بر سر کار آمد (۲۰۰۷) و سال‌ها توسط خود او تقویت می‌شد تا بلکه علیه تشکیلات خودگردان فلسطین در کرانه‌ی باختری وارد جنگ شود. البته این به آن معنا نیست که تشکیلات خودگردان فلسطین در کرانه‌ی باختری، دشمن اسرائیل است. هر دو جناح فلسطینی دست‌نشانده و به‌درجاتی وابسته به اسرائیل بوده و هستند. نتانیاهو با تکیه بر سیاست «تفرقه بینداز

اسرائیل پنجاه و یکمین ایالت امریکا

و حکومت کن» صرفاً درصدد بود تا این دو جناح ارتجاعی را به جان هم بیندازد و بهره‌برداری سیاسی خود را بکند.^{۳۳}

راه چاره

در چارچوب «نظم نوین جهانی» - که پیش‌تر توضیحش رفت -^{۳۴} نه تنها نمی‌توان به صلح دل خوش کرد بلکه نمی‌توان امید بست که گشایشی در حال‌روزر جنگ‌زدگان و آوارگان فلسطینی صورت گیرد. انتظار مؤاخذه، محاکمه یا مجازات اسرائیل و یا اجبار آن به پرداخت غرامت‌های سنگین نیز به خیال‌پردازی می‌ماند!

امیدی به کشورهای عرب و مسلمان هم نیست. آنها همین که حسن کردند مخالفت‌شان با سیاست‌های اسرائیل می‌تواند تحریم یا بلوکه یا فریز شدن دارایی‌ها و سرمایه‌های‌شان در اروپا و امریکا را - که حدود تریلیون‌ها دلار است - به‌دنبال بیاورد، سکوت اختیار کردند و بره‌وار از اوامر ارباب اطاعت کردند! تا مبادا به سرنوشت صدام، قذافی و دیگران دچار شوند!

راه‌حل این معضل در پشت‌کردن و دوری‌گزیدن از گرایش‌های صهیونیستی، اسلامیستی و ناسیونالیستی فلسطینی-عربی نیز نیست. همان‌طوری که برچیده‌شدن آپارتاید در افریقای جنوبی تغییری در وضعیت کارگران به‌وجود نیاورد و سیادت سرمایه را از بالای سر توده‌ها برنداشت، رفع آپارتاید قومی و مذهبی در اسرائیل و شکست جنبش‌های اسلامیستی و ناسیونالیستی نیز تغییری در مناسبات کار-سرمایه به‌وجود نخواهد آورد.

حتی اگر فلسطینی‌ها و اسرائیلی‌ها موفق شوند به دور از تعصبات و تبعیضات، در کنار هم زندگی کنند و یک دولت واحد سکولار یا دموکرات تشکیل دهند، شکاف طبقاتی به‌قوت خود باقی خواهد ماند! حتی بعید نیست که یک بورژوازی حریص‌تر و مستبدتر به‌قدرت برسد که وحشی‌تر، سرکوب‌گرتر و استثمار‌گرتر باشد.

راه‌حل دو «دولت - ملت» - که لیبرال‌های چپ توصیه‌اش می‌کنند- نیز به نفع کارگران دو طرف نیست؛ چرا که تبلیغ علیه‌ی اتحاد طبقاتی با منطق و کارکرد جنبش‌های ناسیونالیستی عجین است! آنها کارگران ملت‌ها را تشویق خواهند کرد تا با

کارفرمایان خود برای اقتدار ملیت خودی و منافع ملی مبارزه کنند! به این معنی، دو دولت بهتر از یک دولت نیست. تازه وجود یک ملت فلسطینی اسلامیت - ناسیونالیست، آن هم در همسایگی یک دولت صهیونیستی که ارتشی تا دندان مسلح است، کلاhek هسته‌ای دارد و دائماً بنیه‌ی نظامی‌اش توسط غرب تقویت می‌شود تا بزرگترین قدرت نظامی منطقه باشد و نقش ژاندارمی را ایفا کند، چگونه خواهد توانست به منازعات خاتمه دهد؟!!

با این حال تردیدی نیست که اسرائیل راه‌حل دو دولت را هرگز نخواهد پذیرفت. کشوری که قطع‌نامه‌ی ۱۹۴ مجمع عمومی سازمان ملل را زیرپا گذاشت و تا به امروز از بازگشت آوارگان جنگ‌های ۱۹۴۸ و ۱۹۶۷ به خانه‌های‌شان سر باز زده و زمین‌های‌شان را اشغال کرده و در آن‌جا شهرک یهودی تأسیس کرده، کی حاضر می‌شود به اهالی غزه، کشور پیشکش کند؟!!

FIGURE 1 Palestinian map – disappearing Palestine.



[منبع عکس](#)

اهداف غرب و اسرائیل

آنچه که در ۷ دهه‌ی گذشته رخ داده، محو پیوسته‌ی فلسطین از نقشه‌ی جغرافیا و پاک‌سازی فلسطینی‌ها از منطقه به منظور استقرار دولت اسرائیل و تحکیم موقعیت

اسرائیل پنجاه و یکمین ایالت امریکا

آن بوده است.^{۳۵} اگر هدف اولیه‌ی بریتانیا - و بعدتر امریکا - اسکان یهودیان در منطقه‌ای خارج از اروپا بود اما مدتی بعد اهداف و امیال به مراتب بزرگتری دنبال شد:

«بسیاری از یهودیانی که به اسرائیل راه یافته‌اند، کارگران بسیار ماهری هستند: آیا آنها توسط تجهیزات و شیوه‌های مدرن تولیدی به آنجا جلب شده‌اند؟ آیا اطمینانی هست که بتوانند مهارت‌های خود را روی مواد خام ارزان به کار بگیرند و کالاهای صادراتی نظیر ابزار دقیق، منسوجات، تولیدات فلزی و شیمیایی تولید کنند؟»

شرکت‌های آمریکایی مستقر در اسرائیل می‌توانند در کشورهای اروپایی شده‌ی خاورمیانه که نرخ ارزششان متوسط است کالاهای‌شان را بفروشند و انتظار می‌رود که اسرائیل از قبل توریست و صادرات به قدری به دلار پُرپها دست پیدا کند تا سرمایه‌گذاران آمریکایی بتوانند [بهره‌ی] ۱۰ درصد سالیانه خود را برداشت کنند.^{۳۶}

به این معنی اشغال فلسطین با اهداف تجاری - اقتصادی توأم شد: بهره‌برداری از مواد خام کمیاب و ارزان فلسطین و خاورمیانه، استثمار نیروی کار مطیع و ارزان، تولید کالاهای مرغوب و صدور آنها به کشورهای منطقه و سایر نقاط جهان، ایجاد مرکز تجاری در اسرائیل برای شرکت‌های آمریکایی به منظور اشغال بازار خاورمیانه و جلب توریسم.

این سیاست با موفقیت همراه بود. تنها ظرف دو سال پس از تأسیس دولت اسرائیل بسیاری از شرکت‌های بریتانیایی، آمریکایی، آلمانی و افریقای جنوبی شروع به سرمایه‌گذاری در آن‌جا کردند. شرکت تولید لاستیک و تایر جنرال (General Tyre and Rubber) در نزدیکی حيفا، دو میلیون دلار سرمایه‌گذاری کرد. شرکت اتومبیل‌سازی Kaiser-Frazer در عکا با دوونیم میلیون دلار سرمایه، شرکت یخچال‌سازی فیلکو (Philco) در نزدیکی تل‌آویو، شرکت تولید کفش (General Shoe) نزدیک اورشلیم و شرکت نخ‌ریسی و بافندگی (Moller-Dee Textile Corporation) با حدود دوونیم میلیون دلار سرمایه‌گذاری در اسراء و غیره شروع به فعالیت اقتصادی کردند.^{۳۷}

توفیق بیشتر این روند مستلزم صلح، آرامش و امنیت سیاسی و اجتماعی بود که نیل به آن آسان نبود. ادامه‌ی اشغال اراضی فلسطینی‌ها، اعطای اعتبارات و وام‌های بانکی کم‌بهره به سرمایه‌گذاران در مناطق اشغالی، اوج‌گیری مقاومت زمین‌باخته‌گان، اعمال تبعیض بین کارگر یهودی و عرب-مسلمان،^{۳۸} تیره‌شدن روابط سیاسی اسرائیل با همسایه‌های عرب و مسلمان و خاصه تحریم خرید کالاهای اسرائیلی از جمله مواردی بودند که فضا را برای رشد و توسعه‌ی اقتصادی مسموم کردند.

با بالا رفتن بازدهی کار و مکانیزه‌تر شدن تولید و پیدا شدن رقبای بیشتر، خیلی از صاحبان صنایع غربی به‌علت بالابودن هزینه‌های تولید به کشورهای فقیر نقل مکان کردند که معنایش پیدا شدن رقبای جدید برای کالاهای اسرائیلی بود. مثلاً صنعت سیقل الماس که تقریباً بی‌همتا بود، با ورود ژاپن و هند به بازار، عملاً دچار بحران شد. به‌منظور تقویت اقتصاد اسرائیل و ارتقای سود شرکت‌های غربی، اسرائیل به فروش تجهیزات نظامی و خدمات آموزشی به ارتش‌های ارتجاعی‌ای روی کرد که درگیر نبرد نظامی با چریک‌های مردمی بودند. مشتری‌های اولیه‌ی این کالاهای، کشورهای چاد، اتیوپی، کنگو کینشاسا و ایران بودند. مسلسل‌های یوزی (Uzi submachine guns) و صدور مستشاران نظامی اسرائیلی به ایران از جمله‌ی کالاهای و خدماتی بودند که وسیعاً توسط محمدرضا پهلوی (شاه وقت ایران) خریداری شدند.^{۳۹}

توسعه‌ی پیوسته‌ی بخش نظامی-صنعتی در اسرائیل، از سال ۱۹۶۷ شتاب بیشتری گرفت و حجم صادرات آن به بیش از یک میلیارد دلار در اواسط دهه‌ی ۸۰ میلادی رسید.^{۴۰}

جنگ «یوم کیپور» (Kippur War) در سال ۱۹۷۳ که به چهارمین جنگ اعراب و اسرائیل نیز معروف است، این فرصت را برای «مجتمع نظامی-صنعتی» فراهم کرد تا به سیر رشد و توسعه‌ی میلیتاریسم در اسرائیل شتاب تازه‌ای ببخشد.

مجتمع نظامی - صنعتی

پیشینه‌ی استفاده از اصطلاح «مجتمع نظامی-صنعتی» (Military-Industrial Complex) به چارلز رایت میلز برمی‌گردد (۱۹۵۶)^{۴۱} اما مرسوم شدن

اسرائیل پنجاه و یکمین ایالت امریکا

این اصطلاح در ادبیات سیاسی، به سخنرانی خداحافظی رئیس‌جمهور امریکا - آیزنهاور در سال ۱۹۶۱ - نسبت داده می‌شود که در آن نسبت به گسترش هراسناک این مجموعه‌ی نظامی - صنعتی هشدار داده بود.^{۴۲}

«مجتمع نظامی - صنعتی» بر ائتلاف ارگان‌هایی اطلاق می‌شود که منافع اقتصادی، نظامی و سیاسی‌شان به رشد و توسعه‌ی میلیتاریسم و تخصیص بودجه‌ی جنگی (به اصطلاح بودجه‌ی دفاعی) وابسته است. در ایالات متحده‌ی امریکا، اجزای اصلی این مجتمع عبارتند از: افسران نظامی ارشد، صاحبان صنایع تولیدی تسلیحات نظامی، سیاستمدارانی که حرفه و منافع آنها با حوزه‌ی دفاعی مرتبط است و اعضای کنگره که حوزه‌های انتخابی‌شان از حجم بودجه‌ی فدرال به بخش دفاعی متنفع می‌شوند. این مجموعه می‌تواند در سایر کشورها به دلایل مختلف، تغییراتی پیدا کند. مثلاً در رابطه با اسرائیل، این مجتمع از سه جهت با امریکا تفاوت دارد: الف - هیچ یک از صنایع دفاعی اسرائیل در اختیار بخش خصوصی نیست. همگی آنان در مالکیت، اختیار و کنترل دولت است. ب - در اسرائیل تأمین امنیت ملی - برخلاف دول غربی - به عهده‌ی سازمان‌های ویژه نیست. در اسرائیل امنیت ملی یک وظیفه‌ی جمعی است. اکثر شهروندان به‌طور فعال در فعالیت‌های نظامی شرکت می‌کنند. ج - در اسرائیل در طی انتخابات، شهروندان به احزاب و نه افراد رأی می‌دهند. در نتیجه، سیستم لابی‌گری مجتمع نظامی - صنعتی متفاوت عمل می‌کند.

با این همه، مطالعات به‌عمل آمده نشان می‌دهند که بخش اعظم پُست‌های مدیریت و تصمیم‌گیری - در حوزه‌های اقتصادی، سیاسی و نظامی - در اختیار نمایندگان مجتمع نظامی - صنعتی قرار دارند که عموماً از نظامیان بازنشسته هستند.^{۴۳} امروزه، اسرائیل جزو ۱۰ کشور بزرگ تولیدکننده و صادرکننده‌ی تسلیحات نظامی، سلاح‌های بیولوژیک و شیمیایی، و سیستم‌های جاسوسی - اطلاعاتی است.^{۴۴} صنایع نظامی، جاسوسی، اطلاعاتی اسرائیل بخش بزرگی از اقتصاد اسرائیل را تشکیل می‌دهند و حجم بزرگی از کارمندان و کارگران در همین واحدها مشغول به کار هستند. حتی صنایع تکنولوژیک اسرائیل، عمدتاً نظامی هستند و حدود ۱۸ درصد از تولید ناخالص داخلی و ۵۰ درصد از صادرات اسرائیل را تشکیل می‌دهند. حجم فروش

تسلیحات نظامی اسرائیل در سال گذشته معادل 12.5 میلیارد دلار بود.^{۴۵} جالب اینجاست که حدود ۵۰ درصد از سرمایه‌گذاران و سهام‌داران صنایع اسرائیل شیوخ عرب هستند!^{۴۶}

ناگفته نماند که صنایع نظامی و تسلیحاتی اسرائیل لابی بسیار قدرتمندی در غرب - به‌ویژه آمریکا - دارند. دامنه‌ی نفوذ آنها به قدری زیاد است که ادعا می‌شود بسیاری از نمایندگان مجالس قانون‌گذاری آمریکا، در واقعیت لابی‌گران و پادوهای صنایع تسلیحاتی اسرائیل هستند. برای مثال «کمیته‌ی امور عمومی اسرائیلی - امریکایی؛ آپیک» (AIPAC)^{۴۷} با تخصیص میلیون‌ها دلار در سال، صرفاً نمایندگانی را به مجالس قانون‌گذاری می‌فرستد که نظر بسیار مساعدی نسبت به منافع و امنیت اسرائیل دارند. اینان نه تنها مایل به صلح میان اسرائیل و فلسطین نیستند بلکه می‌کوشند تا هرگونه تلاش برای صلح را در نطفه خفه کنند. مثلاً وقتی که سازمان «بریرا» - به معنی بدیل - در اواسط دهه‌ی هفتاد میلادی تأسیس شد تا اسرائیل را به خروج از مناطق اشغالی تشویق کند، شدیداً مورد حمله‌ی آپیک - و تشکل‌های مشابه - قرار گرفت.

روشن است که بندگان مجتمع نظامی - صنعتی اسرائیل به جنگ و فروش تسلیحات نظامی - از جمله به کشورهای منطقه‌ی خاورمیانه - وابسته است. بنابراین نظیر خود آمریکا،^{۴۸} بخش بزرگی از سیاست خارجی اسرائیل صرف تنش‌زایی به منظور فروش تسلیحات می‌شود. بنا به گزارش موسسه‌ی تحقیقات بین‌المللی استکهلم - سوئد (SIPRI) در طول ۴ سال گذشته (۲۰۱۹-۲۰۲۳)، کشورهای حوزه‌ی خلیج فارس و مصر حدود ۲۵/۸ درصد از کل خرید تسلیحات جهان را به خود اختصاص دادند. از این میان، عربستان سعودی و قطر در صف سه خریدار اول تسلیحات قرار گرفتند.^{۴۹} این در حالی است که اقتصاد رژیم سلطنتی - وهابی عربستان با حدود ۳۶ میلیون جمعیت بر دوش و شانه‌ی بردگان^{۵۰} خارجی می‌چرخد.

در اواخر سال گذشته، مدیران دو شرکت نظامی - تسلیحاتی اسرائیل یعنی Raytheon و General Dynamics اعلام کردند که جنگ غزه به کاروکاسبی‌شان رونق بخشیده است! جیسون آیکن مدیر مالی و معاون اجرایی شرکت جنرال دینامیکس گفت که در دوره‌ی جنگ تولیدات نظامی این شرکت «خیلی سریع

اسرائیل پنجاه و یکمین ایالت امریکا

از چهارده هزار گلوله‌ی توپ در ماه، به بیست هزار رسید... [امیدواریم] تا ظرفیت تولید را تا هشتاد و پنج هزار - و حتی تا صد هزار در ماه - افزایش دهیم».^{۵۱}

به دنبال این گفته‌ها، تظاهرات صدنفره‌ای در بیرون کارخانه‌ی جنرال داینامیکس صورت گرفت که روی یکی از پلاکاردها نوشته شده بود: «نسل‌کشی: سوغات جنرال داینامیکس برای شما»^{۵۲}

گفتنی است که سهام این شرکت‌ها در طول جنگ غزه ۱۰ درصد بالا رفت و هم‌چنان در حال صعود است.

به این معنی جنگ غزه نه صرفاً بر سر مذهب، سرزمین، ملیت، زبان و فرهنگ و غیره، بلکه علاوه بر آن بر سر سودزاییِ اجتماعی است که بر حیات جامعه‌ی بشری چنگ انداخته است. سایه‌ی خونین این هیولای خون‌آشام را در حیات اقتصادی ایران نیز می‌توان دید؛ به‌نحوی که وزیر دفاع ایران در ۲۳ اسفند ۱۴۰۲ (۱۳ مارس ۲۰۲۴) اعلام کرد که صادرات تسلیحات نظامی ایران طی یک سال، ۴ تا ۵ برابر افزایش داشته است.^{۵۳}

بحث پیرامون نقش و جایگاه مجتمع نظامی-اقتصادی، به‌رغم اهمیت به‌سزایش اجباراً در همین جا رها و به فرصت دیگری سپرده می‌شود؛ با این یادآوری که آش چنان شور است که صدای نهادها و نمایندگان بورژوازی هم درآمده است!

مجمع جهانی اقتصاد، پس از شش دهه بعد از هشدار آیزنهاور، در «گزارش ریسک‌های جهانی» هشدار داد که جهان با معضل «چندبحرانی» (Polycrisis) روبروست. معنایش این است که بحران‌های فزاینده‌ی اقتصادی، سیاسی، اجتماعی «در حال همگرایی هستند تا دهه‌ای منحصربه‌فرد، نامطمئن و متلاطم برای آینده ایجاد کنند».^{۵۴}

غارت گاز طبیعی

از بدو تأسیس دولت اسرائیل، در کنار اشغال سرزمین، غارت منابع طبیعی - از جمله آب - وسیعاً جریان داشته است. در جریان جنگ غزه شاهد دزدی‌های اموال فلسطینی‌ها توسط سربازان اسرائیلی هم بودیم که در رسانه‌های رسمی انعکاس چندانی

نیافتند. اما آنچه که ابداً در موردش حرف زده نمی‌شود، غارت ذخایر گاز دریایی فلسطین است!

اسرائیل فاقد خط لوله‌ی زمینی برای دریافت سوخت فسیلی از خارج از کشور است. از این‌رو شدیداً به واردات نفت از طریق دریا وابسته است. یکی از آرزوهای دیرینه‌ی اسرائیل دسترسی به نفت ارزان بود و هست؛ به‌ویژه آنکه کلیه‌ی صنایع نظامی و صنعتی این کشور از مشتقات نفتی تغذیه می‌کنند.^{۵۵}

دستیابی به مناطق نفت‌خیز فلسطین، یکی از اولویت‌های سیاست اشغال‌گرانه‌ی اسرائیل بود. بر اساس آمار منتشر شده توسط دیوید کوخاو، مشاور اقتصادی وزارت امنیت اسرائیل، در جریان اشغال صحرای سینا در سال ۱۹۷۱، اسرائیل موفق شد از فروش نفت ۹۸ میلیون دلار شِکِل (واحد پول اسرائیل) معادل ۲۸ میلیون دلار آن زمان، سود خالص ببرد. در همین گزارش تصریح شد که سود حاصله از فروش نفت و سایر منابع به‌مراتب بیشتر از هزینه‌هایی بوده که صرف اشغال منطقه شد.^{۵۶}

برآورد می‌شود که نوار آبی در سواحل غزه حاوی حدود یک تریلیون فوت مکعب گاز طبیعی باشد. به ادعای سایت **Offshore Technology** این منابع زیرزمینی در سال ۲۰۰۰ توسط **British Gas (BG)** کشف شد.^{۵۷} همین منبع تخمین می‌زند که تنها واگذاری امتیاز این منابع نفت و گاز طبیعی می‌تواند سودی معادل ۴/۲ میلیارد دلار نصیب فلسطینی‌ها کند.^{۵۸} به‌علاوه اظهار داشته که به‌علت نزدیکی این منابع نفت و گاز به ساحل (۳۰ کیلومتری ساحل، در عمق ۶۰۳ متری)، هزینه‌ی استخراج آن پایین‌تر و سود حاصله بیشتر خواهد بود.^{۵۹}

با شروع جنگ روسیه و اوکراین و قطع صادرات نفت و گاز روسیه به اروپا (۲۰۲۲) اسرائیل قراردادی با اتحادیه‌ی اروپا امضا کرد تا نفت و گاز اروپا را تأمین کند! در اواخر اکتبر ۲۰۲۳، وزارت انرژی و زیرساخت اسرائیل اعلام کرد که حق امتیاز برای اکتشاف گاز طبیعی در مرز دریایی با غزه را صادر کرده است. ناگفته نماند که این اقدام اسرائیل بنا به معاهدات «کنوانسیون حقوق دریاها» (**UNCLOS**) – که فلسطین عضوش هست – غیرقانونی بود ولی طبق معمول صدایی از جانب قانون‌مداران دموکرات و لیبرال درنیامد! با این حال شرکت‌هایی نظیر **Eni** ایتالیا، بریتیش پترولیوم **BP** امارات

اسرائیل پنجاه و یکمین ایالت امریکا

متحده‌ی عربی و Dana Petroleum کره‌ی جنوبی مشارکت خود را در این پروژه اعلام کردند.^{۶۰}

همان موقع جوزف دانا روزنامه‌نگار حوزه‌ی انرژی و بازار نوشت که کشف این منابع نفت گاز و برنامه‌هایی که بر سر استخراج آن در جریان است، عملاً بر جنگ غزه سایه خواهد انداخت و حمایت بلاشرط اروپاییان از اسرائیل و اغماض از حقوق فلسطینی‌ها را به همراه خواهد آورد.^{۶۱} و دیدیم که چنین شد!

حال اگر این تکه‌های پازل را بر سر جاهای خود بگذاریم، معنای سند ده صفحه‌ای افشاشده توسط ویکی‌لیکس را (که در مقدمه به آن اشاره شد- زیرنویس شماره ۵) بهتر درمی‌یابیم: غزه باید ویران شود، تحت اشغال کامل اسرائیل درآید، مردمان آن باید کشته شوند و یا آن قدر گرسنگی بکشند تا به خروج از آنجا تن دهند. تازه باید با ویرانه‌های به‌جا مانده از بمباران‌ها - که به گوشت و خون کودکان و مردمان فلسطین آغشته است - لنگرگاه و اسکله تأسیس کرد و جاده ساخت تا کار اکتشاف و استخراج نفت و گاز هرچه زودتر و سریع‌تر آغاز شود! و این همه باید تحت پوشش «کمک‌های بشردوستانه» صورت گیرد!^{۶۲}

گفتنی است که در جریان بمباران‌های سنگین اسرائیل یکی از شرکت‌های املاک و مستغلات اسرائیلی که شهرت زیادی در شهرک‌سازی در سرزمین‌های اشغالی فلسطین دارد، در ماه دسامبر ۲۰۲۳ آگهی ساخت خانه‌های لوکس در محله‌های بمباران شده‌ی غزه را منتشر کرد!^{۶۳}

جنگ غزه به‌رغم سود هنگفتی که نصیب مجتمع نظامی- صنعتی کرده و می‌کند، اما ظاهراً پروژه‌ی اکتشاف و غارت گاز فلسطین را به تأخیر انداخت و روی ارزش سهام شش شرکتی که مجوز دولت اسرائیل را دریافت کرده بودند، تأثیر کاهنده گذاشت. اما واقعیت این است که این جنگ را برای اجرای این پروژه لازم بود. به‌همین خاطر اسرائیل و دول غربی با زمان خریدن برای ارتش، از پاک‌سازی فلسطینی‌ها از نوار غزه حمایت می‌کنند! تلاش کشورهای حوزه‌ی خلیج فارس - به‌ویژه امارات متحده‌ی عربی - نیز در این میان بی‌طمع نیست! British BP که در مالکیت امارات متحده‌ی عربی

است که یکی از شش شرکتی است که با سهمی معادل دو میلیارد دلار در این پروژه سهام است! از همین روست که به عنوان سفیر صلح این گونه فعالانه تلاش می کند! ^{۶۴}

جمع بندی

- نسل کشی و پاک سازی قومی در غزه باید سریعاً خاتمه یابد. توده های فلسطینی و اسرائیلی نه تنها منافعی در این جنگ ندارند بلکه قربانیان اصلی آن هستند. توده های فلسطینی و اسرائیلی چاره ای جز این ندارند که دست در دست هم بگذارند و آگاهی طبقاتی شان را تا به آن درجه ارتقاء دهند که بازیچه ی منافع مالی و مطامع سیاسی امپریالیست ها و نمایندگان محلی شان نشوند و فریب پروژه های «یک دولت» یا «دو دولت» را نخورند.

- پرچمی که توده ها زیر آن مبارزه ی طبقاتی شان را متحدانه به پیش می برند با پرچمی که در دست کاپیتالیست ها، ناسیونالیست ها، اسلامیت ها است، فرق دارد و یکی نیست! حتی با پرچمی که زینت بخش تابوت سربازان این یا آن ملت است یکی نیست!

- شعار توده های آگاه و انقلابی نمی تواند تاسیس دولت خودی باشد! اینان نمی توانند به منظور تاسیس دولت خودی با استثمارگران خود، علیه هم طبقاتی های شان متحد شوند و بجنگند! چنین نبردی صرفاً یک طبقه ی حاکم و استثمارگر جدید را جایگزین طبقه ی حاکم پیشین می کند تا روند استثمار و سرکوب تداوم پیدا کند.

- حقایق برشمرده شده در این نوشتار، جای شبهه باقی نمی گذارد که آنچه در غزه در جریان است شکلی از انباشت بدوی است. این نسل کشی و پاک سازی قومی بخشی از الزامات انباشت سرمایه ی جهانی و تلاش اسرائیل برای ادغام در این روند است. ^{۶۵}

- در پس این منازعات، باید تضاد خونین کار-سرمایه را دید و با تکیه بر یک تحلیل طبقاتی، توازن قوای طبقاتی را دریافت و با تقویت صفوف طبقاتی به تغییر جهان حاضر پرداخت.

شایسته است که جملات رزا لوکزامبورگ خاتمه بخش این نوشتار باشد:

اسرائیل پنجاهویکمین ایالت امریکا

«زمانی فریدریش انگلس گفت: "جامعه‌ی بورژوازی بر سر دوراهی ایستاده‌است: یا پیش به‌سوی سوسیالیسم یا پس به سوی بربریت"... تاکنون ما این کلمات را بارها بی‌تأمل خوانده و تکرار کرده‌ایم، بی‌آنکه روی جدیت دهشت‌ناک آن شک کنیم. در همین لحظه [۱۹۱۵]، یک نگاه به پیرامون‌مان آشکار می‌کند که پس‌رفت جامعه‌ی بورژوازی به بربریت چه معنایی دارد. جنگ جهانی حاضر یک پس‌روی به بربریت است. پیروزی امپریالیسم به نابودی تمدن خواهد انجامید. این اتفاق ابتدا به‌طور پراکنده، طی یک جنگ مدرن رخ می‌دهد، اما بعدتر، وقتی که دوره‌ی جنگ‌های نامحدود فرابرسد، [اوضاع] به سمت پیامدهای اجتناب‌ناپذیری پیش خواهد رفت. امروز همانطوری که فریدریش انگلس - یک نسل پیش - پیش‌بینی کرده بود، در برابر یک دوراهی ایستاده‌ایم: یا پیروزی امپریالیسم و فروپاشی کلیه‌ی تمدن‌ها - نظیر آنچه در روم باستان رخ داد - جمعیت‌زدایی، ویرانی، انحطاط - و یک گورستان عظیم. یا پیروزی سوسیالیسم، یعنی مبارزه‌ی فعال آگاهانه پرولتاریای بین‌المللی علیه امپریالیسم و شیوه‌ی جنگی آن. این یک معضل در تاریخ جهان است. چرخیدن شاهین ترازو به این یا آن سو، به تصمیم مبتنی بر آگاهی طبقاتی پرولتاریا بستگی دارد.»^{۶۶}

¹ [Israel Declared the 51st State of the United States](#) ۳۱ maj 2018

^۲ مثلاً نیویورک تایمز در شماره‌ی ۵ ژوئن ۱۹۷۱ نوشت: «کافی است بگوییم که اکنون... امنیت و رفاه اسرائیل نه‌تنها برای خود ما حیاتی تلقی می‌شود، بلکه واکنش ما به سازش احتمالی آن نیز بسیار شدیدتر از آن چیزی خواهد بود که در مورد هر یک از متحدان ما در ناتو یا SEATO [سازمان پیمان آسیای جنوب شرقی] نشان می‌دهیم. در اصل، اسرائیل پنجاهویکمین ایالت ما شده است. همان‌طور که یکی از مقامات وزارت امور خارجه می‌گوید: "اگر بقای اسرائیل به طور جدی تهدید شود، ما در دو دقیقه دنیا را به جنگ جهانی سوم خواهیم کشاند، اما اگر برلین تهدید شود، واکنش ما ممکن است تا چند روز طول بکشد!"»

[Israel—The 51st State?](#), The New York Times, June 5, 1971

³ John Rees, Israel's [War on Gaza Has Exposed the Conformism of the Western Media](#), Jacobin

War in Gaza: [Journalists are under attack](#), International Federation of Journalists

^۴ [لینک دسترسی و لینک ۲](#) به اسناد.

⁵ Explained: [What's Netanyahu's Gaza Plan?](#) Alleged Leaked Document Says...., NDTV, November 01, 2023.

درز کردن این سند توسط سایر خبرگزاری‌ها - از جمله سی.بی.سی نیز تأیید شده است:

[Leaked document fuels concern Israel plans to push Palestinians from Gaza into Egypt](#), 11 Nov. 2023.

⁶ بنا به آخرین سرشماری بریتانیا (۱۹۴۶)، در فلسطین ۱۸۴۵۵۶۰ نفر ساکن بودند. این گزارش که برای سازمان ملل فرستاده شده با این نام در آرشیو در دسترس است: [A/AC.25/W/4](#)

^۷ [لینک دسترسی](#) به قطع‌نامه‌ی ۱۹۴.

^۸ برای اطلاع بیشتر از این تلاش‌های دولت اسرائیل خواندن مقاله‌ی [شیخ نکهه بر فراز اسرائیل](#)، لوموند دیپلماتیک، مه ۲۰۱۸ توصیه می‌شود.

^۹ این جمله را به کارل فون کلاوزویتس (۱۸۳۱-۱۷۸۰) (Carl von Clausewitz) نظریه‌پرداز نظامی و ژنرال ارتش پروس نسبت می‌دهند. لنین هم در گزارش خود به هفدهمین کنگره‌ی شوراهای سراسر روسیه (۵ دسامبر ۱۹۱۹) نوشت: «جنگ نه تنها ادامه‌ی سیاست است، بلکه عصاره‌ی سیاست است». اما میشل فوکو و آگامبن عکس این گزاره را طرح کردند و نوشتند «سیاست ادامه‌ی جنگ است. Foucault, Michel 2003, 'Society Must be Defended': Lectures at the Collège de France, 1975-76, edited by Mauro Bertani and Alessandro Fontana, translated by David Macey, p. 15,

^{۱۰} این حمله به تلافی ۱۱ سپتامبر صورت گرفت.

^{۱۱} به‌دنبال حمله‌ی صدام حسین به کویت (۱۹۹۰)، آمریکا و متحدانش به عراق حمله کردند. در سال ۱۹۹۸ باردیگر نیروهای غربی به بهانه‌ی تخریب سلاح‌های کشتار جمعی ارتش صدام، به عراق حمله کردند (عملیات سه روزه‌ی روباه صحرا که به تخریب صنایع تسلیحاتی عراق انجامید) و نهایتاً در سال ۲۰۰۳ حملات وسیع برای براندازی رژیم صدام و به‌اصطلاح آزادسازی عراق آغاز شد که به سقوط صدام و اشغال عراق توسط آمریکا انجامید. تخمین زده می‌شود که این جنگ حدود ۳ تریلیون دلار هزینه دربر داشته و جان حدود نیم میلیون نفر را گرفته باشد. به نقل از مقاله‌ی جرمی هاوول در بی‌بی‌سی نیوز، ۲۰ مارس ۲۰۲۳. [لینک دسترسی](#).

^{۱۲} [حمله‌ی آمریکا به لیبی در ۱۹۸۶](#) نهایتاً به امضای توافق‌نامه‌ی رفع مخاصمه انجامید (۱۴ آگوست ۲۰۰۸). در سال ۲۰۱۱ به‌دنبال بالاگرفتن خیزش‌های ضددولتی در لیبی، آمریکا و متحدانش به بهانه‌ی دفاع از مخالفان رژیم و به اصطلاح آزادسازی لیبی به آنجا حمله کردند که به کشته‌شدن معمر قذافی و سرنگونی رژیم انجامید. [لینک دسترسی](#) به اطلاعات بیشتر.

^{۱۳} به‌دنبال خیزش‌های مردمی در سوریه و پاگیری جنگ داخلی (۲۰۱۱)، آمریکا و متحدانش به بهانه‌ی مبارزه با نیروهای داعش، به سوریه حمله کردند (۲۰۱۴). جنگ در سوریه تاکنون بیش از نیم میلیون کشته و بیش از ۸ میلیون خانه‌خراب و آواره‌ی جنگی به ارمغان آورده است.

اسرائیل پنجاهویکمین ایالت امریکا

^{۱۴} The Gulf Cooperation Council (GCC) شورای همکاری خلیج تشکیلاتی است که بین ۶ کشور (عربستان، امارت متحده عربی، قطر، عمان، کویت و بحرین) در ۲۵ مه ۱۹۸۱ در ریاض پایتخت عربستان، با هدف دفاع از منافع ملی، ارزش‌های اسلامی، موقعیت ژئوپلیتیکی - سیاسی کشورهای عضو و همچنین توسعه همکاری‌های اقتصادی و نظامی منعقد شد. گفته می‌شود که این شورا به تشویق، حمایت و حتی دستور امریکا تأسیس شد تا صدور نفت به غرب را تضمین کند.

^{۱۵} تعداد نیروها و پایگاه‌های امریکایی در منطقه‌ی خاورمیانه دائماً در حال تغییر است. پس از خروج این نیروها از عراق و افغانستان ظاهراً از تعداد آنها کاسته شد ولی بلافاصله پس از نزاع خونین اسرائیل با حماس، بر تعداد این نیروها افزوده شد. با این حال تخمین زده می‌شود که حدود ۵۰ هزار سرباز امریکایی در سراسر منطقه خاورمیانه، در پایگاه‌های مستقر در کشورهای عضو جی.سی.سی، سوریه، عراق و اسرائیل حضور دارند. اگرچه آمار دقیقی از تعداد این نیروها و پایگاه‌ها در دست نیست اما به [گزارش](#) مجله‌ی *Politic Magazine*، [خبرگزاری الجزیره](#) و [ASP](#) امریکا حدود ۸۰۰ پایگاه نظامی در سراسر جهان و ده‌ها پایگاه نظامی در خاورمیانه دارد.

^{۱۶} یمن از کشورهای حوزه‌ی «منا» (Middle East and North Africa (Mena)) است. تا سال ۱۹۶۷ در اشغال بریتانیا بود. در این سال به جمهوری عربی یمن (یمن شمالی) و جمهوری دموکراتیک خلق یمن (یمن جنوبی) تقسیم شد. تمایلات سوسیالیستی یمن جنوبی سبب شد تا این کشور به شوروی نزدیک شود. نزدیکی یمن شمالی به کشورهای سرمایه‌داری و شیخ‌نشینان عرب، سبب شد تا منطقه به یکی از کانون‌های تنش تبدیل شود. در آوریل ۱۹۹۰ این دو کشور ادغام شدند و جمهوری یمن را به‌وجود آوردند. یمن فقیرترین کشور حوزه‌ی خلیج فارس است. اقتصاد آن به صادرات بسیار محدود نفت وابسته است (حدود ۲۵۰ هزار بشکه در روز). به‌دنبال بهار عربی یمن دستخوش جنگ داخلی شد که به برکناری عبدالله صالح (رئیس‌جمهور) و روی کار آمدن معاونش عبد ربه منصور هادی انجامید. او در سال ۲۰۱۵ به عربستان گریخت که پیامدش حمله‌ی شورای همکاری خلیج به یمن بود. قبایل شیعی حوثی (در شمال) که از جانب دولت جمهوری اسلامی ایران حمایت می‌شوند یکی از عوامل اصلی این منازعات هستند که به نظر می‌رسد در اصل بر سر اعمال کنترل بر منابع نفتی و بندر استراتژیک عدن و تنگه‌ی باب‌المندب است.

^{۱۷} به نقل از [غرش سلاح‌ها، در آزمون انبارهای مهمات](#)، لوموند دیپلماتیک، فوریه ۲۰۲۳

^{۱۸} به نقل از ویکیپدیا. [لینک دسترسی](#).

^{۱۹} جو بایدن: «... ائتلافی با شرکت بیش از ۱۰ کشور ایجاد کردم تا امنیت حمل‌ونقل دریایی را در منطقه تضمین کنند.»

^{۲۰} در سال ۲۰۲۰، یک توافق‌نامه‌ی تجاری - اقتصادی میان اسرائیل، امارات متحده عربی، بحرین، مراکش و سودان به امضا رسید که توافق‌نامه‌ی ابراهیم نام گرفت.

^{۲۱} منظور کشورها و جریانها و تحولات موسوم به محور مقاومت است: جمهوری اسلامی ایران، رژیم سوریه، حزب الله لبنان، شبه‌نظامیان عراق، انصارالله یمن، جهاد اسلامی و حماس در فلسطین.

^{۲۲} [The British East India Company](#) شرکتی بود که امتیازنامه‌ی آن توسط ملکه الیزابت اول در ۳۱ دسامبر ۱۶۰۰ صادر شد. به‌موجب این امتیازنامه کلیه‌ی امور تجاری هند شرقی به مدت ۲۱ سال در انحصار این کمپانی قرار گرفت.

²³ Karl Marx, [The Indian Revolt, 1857](#), New-York Tribune

^{۲۴} سیاست‌های ضدکارگری اسرائیل که به‌ویژه علیه کارگران عرب، فیلیپینی، بنگلادشی و غیره اعمال می‌شود نیازی به افشاگری ندارد. ارزش‌های زن‌ستیزانه‌ی یهودیت و رژیم دین‌سالار اسرائیل هم به‌قدری عیان است که نیاز به ارائه‌ی سند و مدرک ندارد. اما در رابطه با بی‌حقوقی‌هایی که حماس در حق شهروندان غزه – به‌ویژه زنان – اعمال کرده، می‌توانید برای نمونه به گزارش‌های عفو بین‌الملل (۲۰۲۲) مراجعه کنید.

²⁵ V. I. Lenin, The Second Congress Of The Communist International, part III: [The Report of the Commission on the National and Colonial Questions, 15 July 26, 1920](#)

^{۲۶} صفوف چند ده‌هزار نفری این تظاهرات را می‌توانید در [این فیلم](#) ببینید.

²⁷ [Israeli grocer Rami Levy gives himself and his daughter major salary raises](#), The Jerusalem Post, MARCH 3, 2024

^{۲۸} روز ۱۲ فوریه ۲۰۲۳، آیزاک هرترزوغ، رئیس‌جمهور اسرائیل هشدار داد که این کشور در آستانه‌ی فروپاشی اجتماعی است. به نقل از [فیس‌بوک بی.بی.سی نیوز ۱۳ فوریه ۲۰۲۳](#).

²⁹ [Israeli intelligence 'dismissed' detailed warning of Hamas raid](#), Financial Times, 2023-07-10

³⁰ [What did Israel know about Hamas' October 7 attack?](#), CNN, 2023-12-01
[Egypt warned Israel days before Hamas struck, US committee chairman says](#), BBC, 2023-10-12

[US confirms Egypt warned Israel days before Hamas attack](#), New York Post, 2023-10-12

³¹ [Israel Knew Hamas's Attack Plan More Than a Year Ago](#), New York Times, 2023-12-02

³² [Hamas practiced in plain sight, posting video of mock attack weeks before border breach](#), AP, 2023-10-13

^{۳۳} حتی «اسناد فلسطین» که در سال ۲۰۱۱ افشا شدند و توسط شبکه‌ی خبری الجزیره منتشر شدند، دامنه‌ی نزدیکی و همکاری اسرائیل و تشکیلات خودگردان را بهتر نشان دادند و همکاری این دو علیه حماس را برملا کردند. برای آگاهی بیشتر از این روابط مسموم خواندن این مقاله توصیه می‌شود:

[همدستی اسرائیل و تشکیلات خودگردان](#)، رابرت نرای، نقد اقتصاد سیاسی، ۲۰۲۳-۱۱-۱۰

^{۳۴} [پیغام جنگ غزه به اردوی کار](#)، نقد اقتصاد سیاسی، ۲۰۲۳-۱۱-۱۶

^{۳۵} این یک ادعا، افترا یا یک برداشت فردی نیست. پیش‌تر به قطع‌نامه‌ی ۱۹۴ مجمع عمومی سازمان ملل (مصوبه‌ی ۱۱ دسامبر ۱۹۴۸) - اشاره شد و در اینجا خاطر نشان می‌شود که این امر توسط قطع‌نامه‌های دیگر از جمله ۲۳۳۴ و نیز تهدادهایی چون سازمان عفو بین‌الملل نیز بارها تأیید شده است. [Israel's Settlements Have No Legal Validity](#), Constitute Flagrant Violation of International Law, Security Council Reaffirms.

[Israel's Occupation: 50 Years of Dispossession](#), Amnesty International, 2017

^{۳۶} U.S. Capital in Socialist Israel, FORTUNE June 1950. Taken from: Kalim Siddiqui, [Palestine, Imperialism, and the Settler Colonial Projects](#), p. 5.

^{۳۷} منبع فوق

^{۳۸} کارفرمایان اسرائیل مزد برابر به کارگران پرداخت نمی‌کردند. کارگران عرب ۴۰ درصد یک کارگر یهودی مزد می‌گرفتند.

Computed from MONTHLY BULLETIN OF STATISTICS, (Jan. 1973), Table K2, "Employee Posts, Total Wages and Monthly Average Wage Per Employee Post," figures for Sept. 1972, Taken from: [Palestine, Imperialism, and the Settler Colonial Projects](#), p. 11.

^{۳۹} Africa Research Group, DAVID AND GOLIATH, available from MERIP, Taken from: [Palestine, Imperialism, and the Settler Colonial Projects](#), p. 6.

^{۴۰} Alex Mintz, [The Military-Industrial Complex](#), JOURNAL OF CONFLICT RESOLUTION, Vol. 29 No. 4, December 1985, pp. 623-639

^{۴۱} Charles Wright Mills (1916–1962) جامعه‌شناس امریکایی و نویسنده‌ی کتاب معروف «سرآمدان قدرت» The Power Elite است که به توصیف اتحاد طبقاتی مثلث سرآمدان سیاسی، نظامی و اقتصادی در ایالات متحده اختصاص دارد. استدلال او این است که قدرت‌گیری این مثلث به تضعیف دموکراسی در آمریکا خواهد انجامید.

^{۴۲} [President Dwight D. Eisenhower's Farewell Address](#) (1961)

^{۴۳} Alex Mintz, [The Military-Industrial Complex: American Concepts and Israeli Realities](#), The Journal of Conflict Resolution, Vol. 29, No. 4, Dec., 1985, p. 631

^{۴۴} [Arms exports - Country rankings](#), The GlobalEconomy.com

در آخرین گزارش SIPRI (۱۱ مارس ۲۰۲۴) اسرائیل در مقام نهمین صادرکننده‌ی بزرگ تسلیحات قرار داده شده است.

^{۴۵} Kalim Siddiqui, [Palestine, Imperialism, and the Settler Colonial Projects](#), p. 18.

^{۴۶} Fatima Attarwala, [BP, ADNOC Pause \\$2 Billion Stake Offer for Israel's NewMed Energy](#), Investopedis March 13, 2024

^{۴۷} این تشکل در سال ۱۹۵۳ به وجود آمد. تعداد لابی‌های اسرائیل در امریکا فراوانند. [دسترسی به فهرست](#)

[اسامی این تشکل‌ها.](#)

^{۴۸} بودجه‌ی وزارت دفاع امریکا حدود ۸۰۰ میلیارد دلار در سال است که بیش از ۵۰ درصد آن صرف عقد قرارداد با ده شرکت بزرگ تسلیحاتی امریکا می‌شود که سودآورترین منابع مالی محسوب می‌شوند و بیشترین کارکنان و کارگران را در استخدام خود دارند. برای نمونه شرکت «ریتیان» ۱۷۴ هزار، شرکت «لاکهید مارتین» ۱۱۴ هزار و شرکت «جنرال داینامیکس» ۱۰۰ هزار مستخدم دارند. تخمین زده می‌شود که مجموعاً بیش از سه‌ونیم میلیون نفر در صنایع نظامی امریکا مشغول به کارند. حجم فروش سالیانه‌ی صنایع نظامی امریکا بیش از ۶۱۳ میلیارد دلار است. (همان)

⁴⁹ [European arms imports nearly double, US and French exports rise, and Russian exports fall sharply](#), SIPRI (STOCKHOLM INTERNATIONAL PEACE RESEARCH INSTITUTE), 11 March 2024.

[Saudi Arabia, Qatar, Egypt among world's top arms importers](#), Al-monitor, 11 March

^{۵۰} به کارگران خارجی برده می‌گویند چون برای گرفتن اجازه‌ی کار در عربستان سعودی، علاوه بر داشتن قرارداد کار، قرارداد اجاره‌ی مسکن، ضمانت‌نامه‌ی یک شهروند (کفیل)، رقمی حدود ۴۰۰۰ یورو و نیز پاسپورت خود را گرو بگذارند. آنها در طول مدت اقامت و در محل کار از حمایت هیچ اتحادیه‌ی کارگری برخوردار نیستند. به جای هشت ساعت کار، بین ۱۰ تا ۱۲ ساعت کار می‌کنند؛ بی‌آنکه اضافه‌کاری به آن‌ها پرداخت شود. آنها حق مرخصی ندارند و هر زمان که کارفرما اراده کند می‌تواند به کارشان خاتمه دهد. آنها برای بازپس گرفتن پاسپورت خود مجبورند حدود شش ماه از مزد خود را به دولت بپردازند. منبع: [عربستان سعودی: مذهب در خدمت امپریالیسم](#) / ترجمه‌ی احمد سیف. [لینک دسترسی](#) به مقاله‌ی اصلی.

⁵¹ Andrew Perez et al., [Military Contractors Are Framing the Israeli War on Gaza as a Win for Investors](#). Jacobin, October 22, 2023.

⁵² “Genocide: Brought to You by General Dynamics.”

^{۵۳} [آشتیانی: صادرات محصولات دفاعی ۴ تا ۵ برابر افزایش یافته است](#)، به نقل از مشرق، ۲۳ اسفند ۱۴۰۲

⁵⁴ [Global Risks Report](#), 2023, WEF, 11 January 2023

پیش‌تر در باره WEF و گزارش اخیرش در رابطه با جنگ غزه بحثی داشتیم.

^{۵۵} برای آشنایی با فروشندگان نفت به اسرائیل و حجم وارداتی آن – به‌ویژه در طی جنگ غزه – خوانند مقاله‌ی نسبتاً جدید گاردین توصیه می‌شود: [How the global oil industry is](#)

[fueling Israel's war on Gaza](#)

⁵⁶ [Palestine, Imperialism, and the Settler Colonial Projects](#), p. 22.

⁵⁷ [Israel gives preliminary approval to develop Gaza Marine field](#), Offshore Technology, June 19, 2003

⁵⁸ Evi Petsangouraki, [Is natural gas the real reason for the genocide in Gaza?](#), 22/01/2024

⁵⁹ [Gaza Marine Gas Field](#), Offshore Technology, October 11 2012

⁶⁰ [The Ministry of Energy and Infrastructure Announces Results for Two Zones in the 4th Offshore Bid Round](#)

⁶¹ Glen Black, [Israel hands out offshore oil exploration licences to BP and ENI to strengthen international relations](#)

⁶² گزارش سارا ویلکینسون در این رابطه شنیدنی است. [لینک دسترسی](#)

⁶³ BRETT WILKINS, ['Cashing in on Genocide': Israeli Firm Pitches Beachfront Real Estate in Leveled Gaza](#), Common Dreams, Dec 19, 2023

⁶⁴ [BP and UAE suspend \\$2 billion gas deal in Israel as Gaza war drags on CNN](#), March 13, 2024

⁶⁵ برای آشنایی بیشتر با این بخش از بحث خواندن مقاله‌ی ویلیام رابینسون و هوآی-آن-نگوین توصیه می‌شود:

William I Robinson, Hoai-An Nguyen, [Gaza: A ghastly window into the crisis of global capitalism](#), LINKS, 17 January, 2024

[لینک به ترجمه فارسی](#)

⁶⁶ Rosa Luxemburg, [The Crisis of German Social Democracy](#), chapter 1, (the "Junius Pamphlet," 1915)